

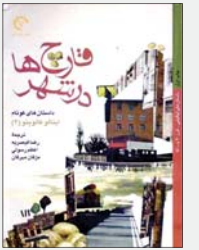


علی شروقی

آدم‌های قصه‌های فاکتر، انگار از ته تاریخ آمده‌اند. از اعماق بدویتی پیوسته با طبیعت و غریزه. از قوانین دل که همواره با قوانین یونان که نمود آن را در تراژدی یونانی می‌توان دید و «فرهنگ کتاب مقدس» که نمودش در عهد عتیق است. آریزا برلین، در ریشه‌های رمانتیسزم، یکی از مفاهیم محوری فرهنگ کتاب مقدس را «مفهوم زندگی خودادگی» و «رابطه پدر و پسر» عنوان می‌کند. بر این مفهوم، یکی از مفاهیم کلیدی آثار فاکتر است. از طرفی، ساختمان قصه و فرجام قهرمانان در آثار فاکتر، سخت با آنچه در تراژدی یونانی اتفاق می‌افتد پهلو می‌زند و این شاید بر آمده از فرجام تراژیکی است که فاکتر برای الگوی کهن مبتنی بر خانواده و قهرمانان حفاظت‌کننده از این الگو قابل است. الگویی که حامیان آن وابسته به‌زمین و زراعت و قوانین طبیعتند و هیچ امر مصنوع را که بخواد به‌عنوان عاملی خارجی بر این طبیعت بکر وارد شود و آن را در چار چوب نظمی نوین سازمأندهی کند، بر نمی‌تابند. از این روست کارشکنی‌های قهرمانان قصه‌های مجموعه داستان «حومه» در برابر مأموران دولت و قوانین آنها. سرسختی این آدم‌ها در برابر قوانین دولتی، از جنس و ریشه سرسختی قهرمانان ملویل، نظیر ناخدا هب یا بارتلی محجر است در برابر نیرویی که می‌کوشد به‌نجوی بر آنها سیطره ید و فرجام آنان نیز البته فرجامی تراژیک است. نویسندگان بزرگ، همواره از عمق یک تاریخ و فرهنگ به‌جهان می‌نگزند و اینگونه است که جهان پیرامون خود را، هرچند خرد و کوچک، به‌وسعت تمامی جهان می‌گسترند که یونانیاتاقای ویلیام فاکتر، نمونه‌ای است درخشان از این جهان خرد گشوده‌شده به‌روی تمامی تاریخ جهان و بشریت و رسیدن به این سنتر زیبایی شناختی جز با گرفتن عصاره و جوهر تاریخ و فرهنگ و تبدیل آن به‌امر کیفی، میسر نیست و این همان اتفاقی است که به‌بهترین شکل در نوشته‌های فاکتر رخ داده است و مجموعه داستان «حومه» نیز نمونه‌ای است از این دست. قهرمانان تمامی داستان‌های این مجموعه، آدم‌هایی هستند خو گرفته به‌بدویت و طبیعتی که از آن برآمده‌اند و وابسته به الگوهایی که در زندگی وابسته به‌طبیعت ریشه دارند. در نتیجه این قهرمانان در سستیز دایم‌اند با هر آنچه قرار است شکل رابطه‌شان را با طبیعت مخدوش کند و همین‌جا باید گفت که اهمیت آثار فاکتر در آن است که این ستیز را در سطح ستیزی که مختص دورانی خاص از تاریخ آمریکاست محدود نگه نمی‌درد و آن را به‌عمق ستیزهای بشری در تمام دوران‌ها پیوند می‌زند و این پیوند جزء‌نبه‌کل جز از طریق همان نگاه جامع به‌عمق یک فرهنگ، میسر نمی‌شود. در قصه «انبارسوزی» از مجموعه حومه که پیش از این هم با ترجمه نجف دریاندور در کتاب «یک گل سرخ برای امیلی» چاپ شده، پدر، اجوجه و به‌تنهایی در برابر جمعی که نظمی می‌خواهند را نمایندگی می‌کنند ایستاده است و در تلاقی آنچه بر او می‌رود، از قوانین و روش‌های فردی و خشن خود استفاده می‌کند. انبارسوزی از طرفی، قصه‌ای سخت ادیبی است. قصه از زاویه دید سوم شخص محدود به‌دهن بسر کوچک روایت می‌شود. پسری که پدر را لو می‌دهد و در پی این کار، فراری و آواره می‌شود. گویا خانواده کهن در آستانه عصری نو، محکوم به‌اضمحلال است و فاکتر نیز همچون بالزاک، آنفرد واقع‌بین هست که این اضمحلال را آنگونه که واقعا در حال رخ دادن است ببیند و به‌همین دلیل بدون

پارسا ریاچی: به‌تازگی چهار کتاب از داستان‌های ایتالیایی و آمریکایی قرن بیستم توسط نشر «کتاب خورشید» با‌زچاپ شده است. رمان‌ها و مجموعه داستان‌هایی از ارنت هیمینگوی، آلبر تو مورایا و ایتالو کالوینو. در ادامه مروری کوتاه بر این چهار کتاب شده است.

**هرگز کسی خبردار نشد**



قارچ‌ها در شهر» اولین مجموعه داستانی از کالوینو بود که پیش از «قارچ‌ها در شهر» توسط کتاب خورشید منتشر شده بود. قارچ‌ها در شهر شامل داستان‌های کوتاهی از کالوینو است که توسط سه‌مترجم به فارسی برگردانده شده است. رضا قیصریه، اعظم رسولی و مژگان مهرگان مترجمان ۲۵ داستان کوتاهی‌اند که در این کتاب گردآوری شده‌اند. مضامین و نقاط اشتراکی بین برخی از داستان‌های این کتاب وجود دارد و برای مثال فقر، اختلاف طبقاتی و جنگ از مضامین اصلی تعدادی از داستان‌های کتاب است و در برخی دیگر کودکان شخصیت‌های اصلی داستان‌ها هستند. در بخشی از داستان «سفر با گلوها» می‌خوانیم: «در شب‌های تابستان، سروصدای شهر، از پنجره‌های بار وارد اتاق کسانی می‌شود که از فرط گرما خولشان نمی‌برد. شب‌سها، سروصدای واقعی شهر در غرش موتورهای پی‌نام و نشانی که در ساعت معینی شنیده و بعد خاموش می‌شود، در صدای خفخ جار و جنجالی خلاصه می‌شود که از دل سکوت، به‌آرامی، به‌وضوح و به‌تناسب فاصله، از دور به گوش می‌رسد و نیز در صدای خرجری از طبقات بالایی، در ناله یک بیمار و در طنین آونگی قدیمی که سر سر ساعت زنگ می‌زند»

**قارچ‌ها در شهر/ ایتالو کالوینو/ مترجمان: رضا قیصریه، اعظم رسولی، مژگان مهرگان / قیمت: ۱۰۰۰۰ تومان**

«اسرار دخمه جنی» که عنوانش شاید برای مخاطب فارسی‌زبان تداعی گر فیلم و رمانی از ابراهیم گلستان (اسرار گنج دره جنی) باشد، رمانی است از ادوارد مندوسا، نویسنده اسپانیایی.

این رمان که با ترجمه زهرا رهبانی منتشر شده در سال ۱۹۷۹ نوشته و منتشر شده است. شخصیت اصلی این رمان، یک زندانی دچار به بیماری روانی است که همان‌طور که در توضیح کتاب آمده، «اجرای ناپدید شدن اسرارآمیز دختران مدرسه شبانه‌روزی «مداران لاسارنایس د سن خراسیو» واقع در یکی

**نگاهی به مجموعه داستان «حومه» ویلیام فاکتر**

# ما ستون فقراتمان را از دست داده‌ایم



آنکه جانبداری خود را از جهان کهن در سیر منطقی رویدادها دخالت دهد، قصه را در بستر طبیعی خود به‌جریان می‌اندازد. چنان‌که بالزاک نیز چنین بود و تصادفی نیست این میزان علاقه فاکتر به‌بالزاک. فاکتر در گفت‌وگوش با پاریس ریویو درباره بالزاک می‌گوید که او «جهان بی‌عیب و نقصی خلق کرده که متعلق به‌خودش است و این همچون سیلان خونی است که در رگ‌های ۲۰ کتایش جاری است.» که این را شاید بتوان درباره جهان خود فاکتر نیز گفت و درباره جغرافیای خیالی‌اش یعنی یونکناپاتافا که جزئی کوچک است به‌وسعت تمامی جهان و به‌گسترگی تاریخ بشر. در آخرین قصه مجموعه حومه، یعنی قصه «آنان نمرده‌اند»، راوی با اشاره به‌منطقه «بیج فرنچمن» که محل سکونت او و خانواده‌اش در آنجاست می‌گوید: «مثل خود غروب که مرگ‌ش همون جای کوچیکی بود که حتا تو نقشمه نیست، جایی که تو کل زمین دوست نفرم نمی‌دونی اسمش بیج فرنچمن یا هر اسم دیگه‌ای، اما از هون‌جا به‌تمام جهات وصل شده که هیچ‌جایی نه این قدر براش بزرگه که نتونه بهش وصل شه، نه این قدر کوچیک که ندیده بگیردش.» و این وصف، وصف دقیق یونکناپاتا‌فای فاکتر است.



حومه

**ویلیام فاکتر**

**ترجمه عبدالله قره‌باغی**

**ناشر: انتشارات بمنگار**

**چاپ اول: ۱۳۹۲**

## داستان‌هایی از ایتالیا و آمریکا



به فارسی ترجمه کرد و اولین‌بار در شهرپور ۱۲۸۳ به چاپ رسید. چاپ مجدد کتاب با تجدیدنظرهایی از سوی مهدی غبرایی منتشر شده است. فرهاد غبرایی در بخشی از پیشگفتار کوتاهش بر کتاب نوشته است: «اگر خواننده خوش‌تر دارد، می‌توان این کتاب را داستان دانست. اما همیشه این احتمال هست که کتاب داستانی از این دست بر آنچه به منزله واقعیت نگاشته شده پرتوی بیفکند.»

**پاریس جشن بیکران / ارنت هیمینگوی / مترجم: فرهاد غبرایی / ناشر: کتاب خورشید/ قیمت: ۷۵۰۰ تومان**

**در اعماق انسان متوسط**



«یک چیز به هر حال یک چیز است» مجموعه‌ای است شامل ۴۴ داستان از آلبرتو مورایو که ششده روایت همه آنها اول شخص است. ۴۳ داستان این مجموعه از زبان یک انسان و داستان چهل و چهارم از زبان یک سگ

روایت می‌شود. اعظم رسولی مترجم این کتاب است و در بخشی از مقدمه‌اش بر کتاب نوشته: «در این ۴۴ داستان آلبرتو مورایو به دنیای درون پای می‌گذارد. او معنای هر چیزی را که انسان با آن در ارتباط است مقدم بر شکل و

## ناپدیدشدگان

از محلات قدیمی و اعیان‌نشین شهر بارسلونا» در نقش کارآگاه ظاهر می‌شود و پلیس از این زندانی سابقه‌دار می‌خواهد که در حل این معمای جنایی یاری‌اش کند. در مقدمه کوتاهی که در ترجمه فارسی این رمان آمده، توضیحی درباره

«ضرورت درک زبان گفتاری در ادبیات پسامدرن» درج شده است و در این مقدمه به کاربرد زبان گفتاری و عامیانه در این رمان و تأثیری که مندوسا در این رمان از دن گیوشوت سروانتس گرفته، اشاره شده است.

### ادبیات

**ادامه از صفحه ۷**

### راوی صادق گذار به بورژوازی

کلر در سوییس جایگاه بسیار والایی دارد: چنان بزرگ و محبوب است که وی را شاعر و نویسنده کلاسیک و ملی سوییس می‌دانند. چندین نوول زیبا و منحصربه‌فرد در کارنامه خود دارد (که دوتاشان را در این کتاب می‌خوانید) و درمجموعه‌شاهکارنوول‌های آلمانی‌زبان جای ویژه‌ای دارد. او بی‌تردید یکی از بنیانگذاران ادبیات ملی سوییس است و نه فقط در نوول نویسی دستاوردهای خاص دارد، بلکه از بدعت‌گذاران در زمینه «رمان تکامل و رشد» است که رمان حسب حالی مفصل «هاینریش سیز»‌اش پس از «ویلهم مایستر» گوته، مهم‌ترین رمان تربیتی قرن نوزدهم به‌شمار می‌رود. شهرت نوول‌های او به‌حدی است که خیلی‌هاشان به فیلم (از جمله داستان «آدم است و لباس» در همین کتاب) او در نهایت توانست به خاطر استعدا کمنظیرش در شعر و نویسندگی و دستاوردهای خاصش در نثرنویسی، صدای خاصی به ادبیات آلمانی‌زبان سوییس بدهد و آن را از تقلید صرف از ادبیات آلمان فراتر ببرد. نتیجه در کنار گوته و هاینه، و را از استادان مسلم نثرنویسی زبان آلمانی می‌داند، اودرنو و والتر بنیامین هم در آثار خود، او را ستوده‌اند.

**❧ لوکاج نیز در جان‌وصورت، کلر را در دسته اجمال‌گرایان فلوری» جای می‌دهد واز «شکنجه‌های فلوریر واری» که کلر تحمل می‌کرد تا آثار خود را متولد کند صحبت می‌کند. آیا کلر نیز به‌مانند فلوریر به رنج نوشتن دچار بوده و به‌دنبال رویای «کمال اثر، بوده است؟**

شکنجه فلوری کلر، در همواردی وی با کلاسیک‌ها و سستوچوی وی برای بینانگاری سبکی والا و متکامل معنا می‌یابد. سبکی که از یکسو هم وامدار کلاسیسیسم است و هم منتقد سرسخت آن و دستاورد غایی آن تولد نوعی رئالیسم نو و سنت کلاسیکی متأخر و بومی است و تأثیر او بر روند ادبیات آلمانی، به‌حدی است که می‌توان گفت بسیاری از نویسندگان بعدی سوییس حتی تا امروز وامدار او هستند و از زیر شئل او در آمده‌اند. ولی نوع نوشتن او بنا بر دلایل عدیده امروزه طرفداران کمتری دارد.

**❧ لوکاج همچنین می‌گوید که تجربه تعیین‌کننده برای بخشی از نویسندگان قرن نوزدهم به‌خصوص کلر و اشتورم، شیوه زندگی بورژوازی‌شان بود و در آثار آنها، شیوه زندگی بورژوازی قد و قامت تاریخی پیدا می‌کند. لوکاج آنها را «آخرین شاعران بزرگ بورژوازی درهم نشکسته قدیم» می‌نامد. آیا در دنیای کلر زوال دنیای قدیم کاملا آگاهانه بازنامایی می‌شود؟**

کلر با آنکه کودکی دشوار و جوانی پرماجرایی داشت و در آغاز کار آثارش با کم‌قبالی رقت‌انگیزی مواجه شد، به یمن آشنایی‌های بعدی و افاقتش در آلمان و اخذ بورس تحصیلی در مونیخ و برلین، توانست ناگهان به جایگاه رفیعی دست پیدا کند و حتی در عالم سیاست و همجواری با قدرت هم به موفقیت‌های شگمگیری برسد. تا جایی‌که کلر متخار، توانست ارزش‌های بورژوازی را درک کند و به مدد رنجی که در کودکی و جوانی کشیده بود، به یکی از صداهای رسای تنبیین آن ارزش‌ها بدل شود. زندگی کلر توانست در متحنی معناداری موقع خواندن کتاب دم دست داشته باشد، در آن جای رنج فقر طرب بشری آغاز می‌کند و خود را در قبال پی‌ریزی تعاریف تازه‌ای از اخلاق، مذهب، ارزش‌های بورژوازی، در بستری از تعهد سفت و سخت به روشنگری ملزم می‌داند و در نهایت به زندگی‌های مردمی دست می‌یابد تا بتواند راوی صادقی از گذار مهم جامعه خود در بزنگاه تاریخی مهمی شود.

**❧ به نظر می‌رسد داستان‌های کلر به جز جنبه ادبی، به جنبه اخلاقی و شاید حتی تأثیر تربیتی هم نظر داشته‌اند. به‌ظنور شما؟**

همین‌طور است. در لایه‌ای آثار کلر این گرایش‌ها فراوان به چشم می‌خورد و فکر کنم در خلال این گفت‌وگو به‌قدر کافی به وجود آن اشاره کردم. گنجاندن کلر در ردیف روشنگرها که از آن حرف زد، در‌ست از همین‌جا ناشی می‌شود.

**عطف کتاب**

**نگاهی به تازه‌های نشر افراز**

#### قلبی از خاکستر

انتشارات افراز به تازگی چند نمایشنامه و مجموعه داستان خارجی و مجموعه داستانی ایرانی را منتشر کرده که در ادامه مروری کوتاه بر آنها شده است. نمایشنامه‌ای از دون دیلیو و مجموعه داستانی از اریک اماتوئل اشمیت از جمله کتاب‌های تازه‌منتشرشده نشر افراز است.

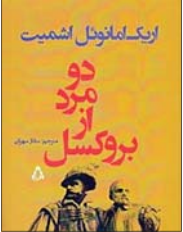
**نقد رسانه‌ها در جامعه مدرن**



«والپاریزو» یکی از نمایشنامه‌های دون دیلیو است که به‌تازگی با ترجمه کیهان بهمنی به فارسی منتشر شده است. دیلیو به‌جز داستان‌ها و رمان‌هایش، پنج نمایشنامه نیز نوشته که عبارتند از: مهندس مهتاب، اتاق روز، والپاریزو، خون عشق دروغین و کلمه برف. در «والپاریزو» مردی به دلیل یک اشتباه که در برنامه سفر خطوط پروازی رخ می‌دهد، ناگهان به شهرت می‌رسد. او به جای یک سفر عادی تجاری به والپاریزوی ایندیانا، به والپاریزوی شیلی می‌رود. دیلیو در این نمایشنامه نگاهی انتقادی به تأثیر رسانه‌ها بر انسان‌های جامعه مدرن دارد. شخصیت اصلی نمایشنامه، مایکل مازسکی، باهدفانه تلاش می‌کند هویتش را در پرتو شهرتش تثبیت کند. یکی از درونمایه‌های همیشگی آثار دیلیو موضوع دخالت رسانه‌ها در زندگی هنرمندان و به‌ویژه نویسندگان بوده و او در یکی دیگر از آثارش با نام «ماثوی دوم»، با محور قراردادن زندگی نویسنده انزواطلب آمریکایی، دیوید سلینجر، به نقش رسانه‌ها در ناراحتی او پرداخته است. والپاریزو اولین‌بار در تئاتر رپرتوار آمریکا به کارگردانی دیوید ویلر در سال ۱۹۹۹ اجرا شد و پس از آن بارها در سالن‌های نمایش آمریکا و اروپا به روی صحنه رفته است. پیش از این، رمان «قطعه امگای دیلیو هم با ترجمه بهمنی منتشر شده بود. رمان کم‌حجم بادی ارنتست نیز از دیگر آثاری است که چندسال پیش از این نویسنده ترجمه و منتشر شد.

**والپاریزو/ دون دیلیو / مترجم: کیهان بهمنی / قیمت: ۲۴۰۰ تومان**

**زندگی سه‌نفره**



«دو مرد از بروکسل» عنوان مجموعه داستانی از اریک اماتوئل اشمیت است که پنج داستان به نام‌های «از خاطرات اماتوئل لولیناس»، «زندگی سه‌نفره»، «قلبی زیر خاکستر»، «دو مرد از بروکسل» و «شبح بچه» را دربر می‌گیرد. اشمیت نویسنده شناخته‌شده‌ای در ایران است و نشر افراز پیش از این ترجمه‌های دیگری از او منتشر کرده بود. در بخشی از داستان زندگی سه‌نفره می‌خوانیم: «هیچ متوجه آن مرد نشده بود. اول، برای اینکه او قابل توجه نبود... او متعلق به توده مردان خاکستری پیش بود که یک نقاب را به جاد چهره‌شان به نمایش می‌گذارند، بال‌هایی که حتی ندارند، بلکه جسمی دراز که لب‌اس‌ها را با می‌کنند، از آن اشخاصی که حتی اگر ۱۰ بار از مقابل ما بگذرند، فراموش‌شان می‌کنیم. اشخاصی که وارد و خارج می‌شوند بدون اینکه کسی به آنها توجه کند، با حضوری کمتر از حضور یک در.» این مجموعه داستان با ترجمه ساناژ سهرابی به فارسی منتشر شده است.

**دو مرد از بروکسل / اریک اماتوئل اشمیت/ مترجم: ساناژ سهرابی / چاپ اول: ۱۳۹۲ / قیمت: ۹۸۰۰ تومان**

**بازجویی از چند داستان کوتاه**



«مرد بالشی» نمایشنامه‌ای از مارتین مک‌دوننا است که توسط زهرا جواهری به فارسی منتشر شده است. مرد بالشی جایزه‌های متعددی در سال‌های ۲۰۰۴ و ۲۰۰۵ مثل جایزه لازرس الیوبر، جایزه منتقدان تئاتر نیویورک، جایزه تونی و جایزه اونینگ استاندرد را دریافت کرده است. مارتین مک‌دوننا، نمایشنامه‌نویس، فیلمساز و فیلمنامه‌نویس ایرلندی انگلیسی است که در سال ۱۹۷۰ متولد شده است. از او به عنوان یکی از برجسته‌ترین نمایشنامه‌نویسان معاصر لندن یاد می‌شود. مرد بالشی اولین نمایشنامه غیرایرلندی اوست که اولین بار در سال ۲۰۰۳ منتشر شد اگرچه نسخه اولیه آن پیش از این در شهر گالوی ایرلند نمایشنامه‌خوانی شده بود. مرد بالشی اولین بار در تئاتر ملی لندن در سال ۲۰۰۳ هم به نمایش درآمد. این نمایشنامه در یک کشور خیالی دیکتاتوری اتفاق می‌افتد و داستان نویسنده‌ای به نام کارولینا را روایت می‌کند که در اداره پلیس به خاطر محتوای پرخوشونت داستان‌های کوتاهش و شباهت آنها به‌نجوه قتل چند کودک در اداره پلیس تحت بازجویی است.

**مرد بالشی / مارتین مک‌دوننا/ مترجم: زهرا جواهری / چاپ اول: ۱۳۹۲ / قیمت: ۷۸۰۰ تومان**

**با کمی تأخیر**



«البته با کمی تأخیر» مجموعه داستانی از رضوان نیلی‌پور است که به‌تازگی منتشر شده است. این مجموعه شامل داستان‌هایی با نام‌های «ترنج»، «البته با کمی تأخیر»، «آثر»، «گِزگ و بَره»، «آگشت اشار»، «نان و تیغ»، «البوم»، «جوانه‌های لوبیا»، «همین دو ساعت قبل»، «علمدار»، «تئوری»، «سوغاتی»، «ماه تمام»، «مأموریت»، «اراز» و «صداه‌ا» است. پیش از این دو مجموعه داستان دیگر با نام‌های «باران پشت شیشه» و «کاش بادش بم‌اند» و رمان «قبل از ساعت بیست‌وپنج» از رضوان نیلی‌پور منتشر شده بود. اینک سطرهایی از داستان «البته با کمی تأخیر» از این مجموعه: «... رخت‌هایی که دیروز عصر شسته است، از این سر تا آن سر حیاط روی بند پهن شده و هر کس از درمی‌آید تو، برای آنکه مژگان خاتمر را ببیند مجبور شدی کاملاً خود و از زیر بند رخت بروی نزدیک حوض. اشرف سادات سینه می‌کوبد و می‌خند. «خدا از سرش نگذره هر کی باعث و یالی شد» می‌شنید لب درگاهی و سرش را میان دست‌های می‌گذارد. آفتاب صبح تابستان توی چشم‌های سبزش افتاده و موهای شالغزده کوتاه و فلفل نمکی به پشت گردنش سیخ می‌زند. چشم‌ها را می‌بندد و سرش را به این طرف و آن طرف تکان می‌دهد. اعظم می‌رود توی درگاهی، خودش را کنار او جا می‌دهد و دستش را روی زانوئ او می‌گذارد. اشرف سادات یکپو دودستی به سینه می‌کوبد، گونفها را خراش می‌دهد و می‌خند. «حالا چه خاکی به سرم کنه؟ اعظم دست‌های او را می‌گیرد و فشار می‌دهد. «نکن مامان، سکنه می‌کنی‌ها» داستان‌های مجموعه البته با کمی تأخیر، اغلب حال و هوایی رئالیستی دارند و تصویری از زندگی روزمره و بورژواشنگی‌های گوناگون در زندگی آدم‌ها را به می‌دهند که نمونه‌اش در سطرهایی که از داستان دوم مجموعه آورده شد نیز مشهود و آشکار است.

**البته با کمی تأخیر / رضوان نیلی‌پور / چاپ اول: ۱۳۹۲**